لوموند دیپلماتیک Le Monde diplomatique ir.mondediplo.com PERSIAN EDITION
ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژانویه ۲۰۱۸

"آنتیگون"* و دریازنان (دزدان دریائی)

اولین پیبه برگردان منوچهر مرزبانیان

سر و کله گردن‌کشان و نافرمانان از نو پیدا می شود. در سینما، در انتشارات ... و در میدان عمل. اینها بر واقعیتی پذیرفته همگان می تازند تا یا پرده از دروغ نهفته در آن بردارند و یا لحظه مسرت بخشی را فراهم آورند. اما اگرتصویر دریازن دوباره رویا برانگیز است، شوریدن اش علیه قانون کدام پیام را می پراکند ؟

در عصر "رمانتیسم"، سرکشان. غوغایی به پا کرده بودند. "لرد بایرون" شاعر "کشتی دریازنان " (۱۸۱۴) ستاره ای شده بود. او چهره ای از دریازن، آماده کشتار و پذیرای عشق را ترسیم و تحمیل می کرد، که بر نسلی از جوانان درس‌خوانده سرخورده از آرمان حیات جمعی اثر کرده بود. "ویکتور هوگو"، با خلق نمایشنامه "هرنانی" (۱۸۳۰)، که قهرمان نجیب‌زاده مطرودش، سرکرده دار و دسته تبه‌کاری شده که سخت به دنبالش می‌گشتند، هیجانی برانگیخته و احساساتی را به جوش آورده بود. "فرانسوا ویدوک" (۱۸۵۷ ـ ۱۷۷۵)، که او را در قالب شخصیت "ووترن" در چندین اثر "اونوره دو بالزاک" باز می‌یابیم، نه به دلیل رئیس پلیس شدنش فریبنده است، بلکه از آنرو که پیش از آن ـــ درست مانند "ژان وال ژان" در رمان "بینوایان" ـــ زندانی محکوم به کار اجباری بوده. این شیفتگی را در موفقیت حیرت انگیز "پیر ـ فرانسوا لاسنر"، (۱۸۳۶ ـ ۱۸۰۳) قاتلی اصیل، آراسته و دوستدار نویسندگی باز می یابیم، که اعلام می‌دارد می‌خواسته «به ساختار اجتماع ضربه زند». "شارل بودلر" او را چون «یکی از قهرمانان زندگی مدرن» می ستود ...

همین شیفتگی، اما آشکارا با غلظت کمتری، به شخصیت "روبر ماکر"، قاتل ـ سارق ـ کلاه برداری که"بنژامن آنتیه" به خیال پرورده، هم وجود داشت که "فردریک لومتر" بازیگر، در تقلیدی هزل آمیز از ارزش‌های بورژوازی درام‌های سوزناک باز می‌آفرید و تماشاگران را از خنده روده بُر می‌کرد: «کشتن خبرچین‌ها و ژاندارم‌ها، جلوی احساسات را نمی گیرد» ...شخصیت "ماکر" آفریده "لومتر" را که می توان با تمجیدی که فیلم «کودکان بهشت» از او کرده تصور کرد، دور نبود که مانند دیگر برادران قانون گریزش در سال های دهه ۱۸۲۰ تا ۱۸۴۰، بدرخشد، یعنی دورانی که نقش انقلابی دوگانه برآن خورده بود، انقلابی ابتدا پیروزمند و سپس مصادره شده. بدین‌گونه، گسترده تر از آن شبح مطرودانی بر بخش بزرگی از قرن نوزدهم سایه انداخته بود که هرچند قواعد جامعه

محکوم‌شان می‌گرد اما در عین حال صاحب دانشی غریب بودند، دانش حاشیه نشینان، و نیز حامل امید دگرگونی جامعه ای که در آن می‌زیستند.

زیرا یاغی آنگاه که با اصحاب قدرت به ستیز درآید، هم تهدیدی در کوچه و بازار است و هم امید و آرزو می‌پرورد. بلواها، سؤقصدها، دسیسه چینی ها، شورش‌ها، گام‌شمار قرنی بود، سوگوار انقلاب فرانسه، که فوران مسائل اجتماعی در خود فرو کشیده. جوامع سرّی شکوفا می شدند (آهُ امان از دست این، جامعه بهت انگیز کین جویان !)، و مطلب نه فقط گپ و گفتگو، بلکه مسلح ساختن خویشتن هم بود. سرکردگان‌شان در زندان به سر می بردند ("اوگوست بلانکی"، "ارنو باربس" ، و دیگران)، که سپس نبرد را از سر گرفتند. اما از شکستی به شکستی دیگر، تخیل جمعی جامعه شورشیان را به حال خود رها کرد تا با همدلی آشکارا کمتری به افراد خطرناک، به بی سر و پا ها روی آورد (آنارشیست‌ها، کارگران، توده عوام ...). پس از بنیان‌گذاری "انجمن بین المللی کارگران" در سال ۱۸۶۴ و بعد از "کمون" [پاریس، مارس تا مه ۱۸۷۱] جدا از شخصیت "آرسن لوپن" آفریده "موریس لو بلان" در سال ۱۹۰۵، دیگر کسی نمانده بود، که بتواند علاقه و عاطفه فراگیری برانگیزد.

امروز باز قانون شکن در هیئت قهرمان و پیام‌آوری خوش خبر پدیدار می شود. دریازن باز از نو رویا می‌پرورد. سینما، که جای خود دارد، انباشت درآمد سرشار گیشه‌های فروش بلیط برای زنجیره فیلم‌های "دزدان دریایی کارائیب"، از سال ۲۰۰۳ به این سو تمامی ندارد. اما آنچه کمتر انتظارش می رفت پیروزی در بازاز نشر و ... و در اقدام و عمل است. مانده تا دریابیم که زیر پا نهادن قانون چه پیامی در بر دارد.

"مارکوس ردیکر" استاد دانشگاه "پتسبورگ"، تاریخدان رشته اقیانوس اطلس، در تألیفات خود (۱) قرائتی از سازماندهی زندگی مشترک دزدان دریاها، همچون تحقق آرمانی برابری طلب، خواستار حیات جمعی و دموکراتیک به دست می دهد. «داستان پنهان مقاومتی فراملیتی» که بیرون از «تعاریف مدرن از نژاد و ملت»، گویا دریازنان با نفی بهره برداری [انسان‌ها از یکدیگر] و اقتدار دولت و خوگرفته به فرهنگ «انسان بی ارباب»، تجلی آنند.

به زعم "ردیکر" رهزنان دریاها که جرأت کردند گذران زندگی متفاوتی را به تصور کشند و بکوشند بدانسان زندگی کنند، مردمانی به قدر کافی شگفتی آور ... رمانتیک، و آسیب رسانانی بی تقص بودند، زیرا دور نبود که اصول عقاید و کردارشان «نیروی محرک بحران انقلابی سال‌های ۱۷۷۰ ــ ۱۷۶۰» گردد. بهتر، آنها عمیقا اخلاق گرا بودند، زیرا مفهوم عدالت بنیاد و بستر رفتار اجتماعی آنها را بر می‌ساخت. گرچه متخصصان دیگر مطالعه راه و رسم دریازنی، گاه نگرش محتاطانه تری را می‌نمایانند، و میل دارند بدون نفی آن برداشت، در جنبه «دموکراتیک» کشتی نشستگانی به شدت تردید روا دارند، که "جولی راجر"، یا همان بیرق سیاه منقش به تصویر جمجمه را بر می افراشتند، این هم از حقیقت دور نیست که اعلامیه ای چون بیانیه "بلامیِ" دریازن هنگام محاکمه اش اگر نگوئیم عمل گرا، دلاورانه شادی بخش به گوش می رسید: «این زباله ها ما را محکوم می‌کنند، حال آنکه یگانه فرق میان ما و ایشان آن است که اینها در پوشش قانون از تهی دستان می دزدند، و ما اموال ثروتمندان را فقط به یاری جسارت خویش به تاراج می‌بریم؛ بهتر ان نیست که یکی از جمع ما باشی تا برای داشتن کار، چاپلوسی و کاسه لیسی این ارازل را بکنی (۲).»

گاه شاید بخشایش و توانایی برانگیختن شور و شوق پیش از هر چیز دیگری اهمیت داشته باشد. بدینگونه "پیتر لامبورن ویلسون"، نویسنده آنارشیستی که او را بیشتر با نام مستعار "حکیم بی"، می شناسند هم از همین زاویه «انقلابی» راهزنان دریاها را نگریسته

است. او مفهوم " ناحیه مستقل موقتی" را در کتابی با همین عنوان پرورده که به طور محسوسی به ظهور «قلمروی که به دفاع از آن باید برخاست» تأثیر نهاده است. "پیتر لامبورن ویلسون" در کتابی با عنوان "اوتوپی دریازنان" (۳) فرضیه یک «جمهوری کشتی زنان "ساله"» در مراکش را پیش کشیده، که گویا در گرماگرم وقایع قرن هفدهم دزدان دریاهای شمال آفریقا و از دین برگشتگان به اسلام گرویده، درون بوم مستقل دموکراتیکی پدید آورده بودند که در آن هرکسی در مساوات کامل می‌توانست به قدرت همانند ثروت دست یابد. هم "ویلسون" و هم "ردیکر"، در تألبف خود، به یکسان خشونت [دزدان] را به حداقل فرو کاسته اند. البته، اینجا و آنجا نبردهای چندی در می‌گرفت، ولی به نیت امر خیری در آنها در گیر می‌شدند تا فرصت دوام و بقا را برای یاغیان ساکن این خردک جوامع فراهم آورند که نه دستمزد بگیری درمیانشان بود و نه کسی بر دیگری سلطه ای داشت. در عوض، هر دو تاکید را بر نفی اقتصاد نهاده اند، دریا زن نه می‌خواهد به پیری برسد و نه می‌خواهد ثروتمند شود، او زندگی کوته، ولی خوب را ترجیح می‌دهد تا مانند یک خواننده موسیقی "راک" در یک ارکستر زندگی کند. باشد که اینک و اکنون خوش درخشد !

چنین بینشی، بنیادهای ضد فرهنگی فعال را پیش می نهد: به همان سیاقی که دریازنان «نمونه نوعی "ناحیه مستقل موقتی"» را بنیاد نهادند، میراث داران کنونی آنان هم باید «یورش موفقت آمیزی را به واقعیت به اجماع رسیده ای (۴)» به راه اندازند. برای نمایاندن دروغ، لحظه لذت بخشی را پیش آورند، پایه‌های نظم مسلط را به لرزه در آورند و از لحظه ای جشن و شادمانی لذت برند، جایی که بارقه آزادی مشترک زود گذری می‌درخشد. در این ایدئال بی تردید"گمنامانی" سهیم اند که پنهان در پشت نقابی که مضحک قلمی "الف، مثل انتقام" به قلم "الن مور" و "دیوید لرد" به شهرت رساند، شادمانه به همه نوع سامانه اینترنتی رخنه می کنند و به تأکید می‌گویند که «ما بیشماریم». درست مانند "ویکی لیکس"، که "ژولین آسانژ" در سال ۲۰۰۶ به این قصد بنیاد نهاد تا اطلاعاتی را که هشدار دهندگان درون سیستم به بیرون درز می‌دادند به گوش‌ها برساند، تا گواهی بر حقایق اجتماعی و سیاسی پنهان باشد. قانون شکنان بی یار و یاور پردازش اطلاعات مانند "ادوارد سنودن" یا "چلسیا ماننینگ" همه مخاطرات را به جان خریده و تا پای جان پیش رفته اند تا جاسوسی از توده های خلق یا پشت پرده دیپلوماسی آمریکا را افشا کنند. برای نمونه آنها به نیروی حقیقت قدرت هایی که سرانجام به مردم باز گردانده شده باشد، راه رسیدن به دنیای بهتری را نشان می‌دهند ...

«اقبال عمومی» به شکل بی نظیری به روایت دیگری از سرپیچی از قانون بازگشته است که یا مفهوم قانون گریزی پیوند دارد: نافرمانی مدنی. عبارت نافرمانی مدنی از متنی که "هانری دیوید تورو" در سال ۱۸۴۹ نوشته وام گرفته شده (۵)، جزوه ای که فقط در سال ۲۰۱۷ به نشر پانزدهم رسید ... "تورو" که مشخصا علیه برده داری سر به شورش بر داشته بود، در نوشته خود تصریح دارد که: «پسندیده نیست که برای قانون و ثروت درست همان احترام را قائل بود». شهروندی که "تورو" عموما احترام بیش از حدی به وی نمی‌گذاشت، نباید «هرگز لحظه ای از فرمان وجدان خویش به سود قانون سر پیچد»؛ حتی اگر قرار باشد آنرا به بهای محکومیت به زندان یا بدتر از آن بپردازد. به عقیده وی سر بر تافتن از اطاعت از قانونی ناعادلانه «در جوهر خود انقلابی» است.

این دیدگاه به بینش "لئون تولستوی" بسیار نزدیک است که گرچه او را پیش از هرچیز رمان نویس می‌شناسیم، اما در دومین بخش از زندگیش، نفوذ معنوی و سیاسی نیرومندی را بر بخشی از خلق روس و شماری از روشنفکران اروپا اعمال می کرد. "تولستوی" بار دیگر پسند زمانه شده است، امروزه در میان دیگر آثارش، گلچینی از متون او را منتشر می‌کنند که در سال سرنوشت ساز ۱۹۰۵ نوشته و به موعظه نافرمانی غیر خشن اختصاص یافته است (۶)، زیرا «شرور اصلی که از آنها در رنجیم، انحصارا از آنجا سرچشمه می گیرد که» به جای وقف خویشتن به «کمال جویی اخلاقی، جباریت حکومتی را باز می‌شناسیم و به آن تن در می دهیم». به زعم

"لنین" این «آموزه ای خصمانه» بود ... "فردریک گروس"فیلسوف، تحسین کننده بزرگ "تورو،"، در آخرین اثرش، که همه در آفرین گفتن به خلق آن یک زبانند، با تأکید بر اینکه «نافرمانی، اطاعت از قوانین دیگر است»، مواضع "تولستوی" را پژواک داده است (۷). همچنانکه "آنتیگون" * در روزگار خود بر این مفهوم تصریح داشت و جان خود را هم بر سر آن نهاد... اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۹۳ هم به شیوه خویش آنرا چنین صورت‌بندی کرده بود: «وقتی حکومت حقوق خلق را زیر پا می گذارد، برای خلق و هر بخشی از مردم، مقدس ترین حقوق و ناگذشتنی ترین وظایف برشوریدن است.»

اما از راهزنان "ناحیه مستقل موقتی" تا قهرمانان بی نظیر نافرمانی مدنی، اشکال جدید جوامع سرّی، گرچه بر مقررات قانونی خرده می‌گیرند تا آنها را تغییر یا دوباره بنیاد دهند، در نظر ندارند که از راه های انقلابی اساس و پایه های آن را زیر و رو کنند. نبردافزارهای آنها صلح آمیز است و بسیار بیش از عمل سیاسی، رویکرد به اصول اخلاقی دارند جز در مواردی که برشوریدن فردی به طرز خودجوشی باشد یا از طغیان روحی برخیزد. اگر در این امر می توان ادای سهمی در گشودن حیطه های ممکن دیگر دید، اگر می‌توان شهامت، و گاه طنین فعال برخی نافرمانی‌های زیبا را تحسین کرد (۸) اما می‌توان در عین حال بیم از آن داشت که این دادخواهان چندگانه را نتوان، به دور و جدا از نبردهای دیگر، کاربران "هنر برشوریدن" دانست. هنر برشوریدن" نام رساله ای است سخت شایسته عنوانش، به قلم "ژوفروا دو لاگاسنری"که به هشدار دهندگان اختصاص یافته (انتشارات فایارد، ۲۰۱۵) ...، درست همان که نمایشگاه های کتاب و کتاب‌های پر فروشی را وقف آن می‌کنند. چنین می‌نماید که شورش، آنانکه آماج آنند را نیز خوش آید: مکمل روح از یک سو و از آن خود کردن از سوی دیگر.

بدینسان موسسه تکنولوزی ماساچوست، همان "ام .آی.تی" معروف، جایزه ای ۲۵۰ هزار دلاری برای پاداش به «نافرمانی مدنی» به وجود آورده است. ویدئوی معرفی این جایزه با گفتاوردی از "مارتین لوتر کینگ" آغاز می‌گردد: «مسئولیت اخلاقی هر کسی است تا از قوانین ناعادلانه سر برتابد». در این ویدئو "جوی ایتو" مدیر آزمایشگاه رسانه ای "ام.آی.تی" هم مشی این کارزار را اعلام کرده است: «با انجام آنچه انجامش را از شما خواسته اند، دنیا را عوض نخواهید کرد.» بخشی از این جایزه را "رلد هوفمان" یکی از دو بنیانگذار شبکه حرفه ای LindkedIn بر عهده دارد.

* به روایت سوفوکل از اساطیر یونان، "آنتیگون" دختر "اودیپوس" می کوشد کالبد برادرش را که به دست برادردیگرش به قتل رسیده به خاک بسپارد، که به فرمان پدر به گوشه ای انداخته اند تا طعمه جانوران گردد . پدر فرمان شکنی دختر را سیاست می کند و او را درغاری به بند می کشد. اودیپوس در همان غار خود را حلق آویز می کند.

نوشته : **É**velyne **P**ieiller *

* روزنامه نگار، منتقد ادبی، مترجم

پی نوشت

۱ـ

Marcus Rediker, Pirates de tous les pays. L’âge d’or de la piraterie atlantique (1716-1726), Libertalia, Paris, 2017, 312 pages, 10 euros (1re éd. : 2008) ; Les Hors-la-loi de l’Atlantique. Pirates, mutins et flibustiers, Seuil, Paris, 2017, 304 pages, 22,50 euros.

۲ـ در میان تاریخدانان «محتاط»،

Jean-Pierre Moreau, Une histoire des pirates. Des mers du Sud à Hollywood, Tallandier, coll. « Texto », Paris, 2016, 608 pages, 12,50 euros.

همچنین

Gilbert Buti et Philippe Hrodej (sous la dir. de), Histoire des pirates et des corsaires. De l’Antiquité à nos jours, CNRS Éditions, Paris, 2016, 601 pages, 26 euros.

همچنین:

Gilbert Buti et Philippe Hrodej (sous la dir. de), Histoire des pirates et des corsaires. De l’Antiquité à nos jours, CNRS Éditions, Paris, 2016, 601 pages, 26 euros.

۳ـ

Peter Lamborn Wilson, Utopies pirates. Corsaires maures et renegados d’Europe, L’Éclat, coll. « Poche », Paris, 2017, 240 pages, 8 euros (1re éd. : 1998).

۴ـ

Hakim Bey, TAZ. Zone autonome temporaire, L’Éclat, 1997.

۵ـ

Henry David Thoreau, La Désobéissance civile, Gallmeister, Paris, 2017, 38 pages, 3 euros.

۶ـ

Léon Tolstoï, Le Refus d’obéissance. Écrits sur la révolution, L’Échappée, Paris, 2017, 218 pages, 20 euros.

۷ـ

Frédéric Gros, Désobéir, Albin Michel, Paris, 2017, 264 pages, 19 euros.

برای نمونه نگاه کنیدبه:

Pol Droit, « L’insurrection est une affaire intime », Le Monde des livres, 31 août 2017.

۸ـ مقاله Thierry Pacquot ، با عنوان «نافرمانی مدنی» را در شماره ماه ژانویه ۲۰۰۵ لوموند دیپلوماتیک بخوانید.
(http://ir.mondediplo.com/article476.html)

انسان شناسی و فرهنگ ناشر نسخه فارسی لوموند دیپلماتیک در ایران است

لوموند دیپلماتیک ژانویه ۲۰۱۸